

نگاهی به قصص الأنبياء قطب الدین راوندی (د ۵۷۳ ق)

عباسعلی مردی*

معتبرترین منبع در نقل قصص پیامبران، قرآن کریم است؛ خداوند متعال به اغراضی به تاریخ و قصه انبیای گذشته اشاره کرده و ۲۷ تن از پیامبران را به نام ذکر کرده است. چند نکته درباره قصص قرآنی شایان ذکر است:

الف) عدم آگاهی کامل مردم جزیره العرب از قصص قرآنی

بنا به شهادت قرآن که برخی از داستانهای پیامبران را از ناحیه غیب می‌داند اطلاع مردم جزیره العرب از داستان پیامبران یا ناقص بوده یا چیزی در آن‌باره نمی‌دانسته‌اند. نیز آنچه را که علمای یهود به عنوان داستان پیامبران نقل می‌کرده‌اند کم و ناقص و در بسیاری اوقات تحریف شده بوده است: در ذیل قصه نوح عَلَيْهِ السَّلَام در سوره هود می‌فرماید:

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ
هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (هود: ۴۹)

آیه تصریح دارد در اینکه رسول خدا و قومش از جزئیات این قصه به این تفصیل آگاه نبوده‌اند.

*. پژوهشگر.

نیز در سوره یوسف می فرماید:

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذِ اجْتَمَعُوا أَمْرُهُمْ وَ هُمْ
يَمْكُرُونَ (يوسف ۱۲) / ۱۰۲)

همچنین در قصه مریم بیان می کند که آن از اخبار غیبی بود که به رسول خدا

وحی شد:

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذِ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ
يَكْفُلُ مَرْيَمَ (آل عمران ۳) / ۴۴)

ب) امر به خواندن و عبرت آموزی از قصص قرآنی

در قرآن امر شده است که مسلمانان قصص را بخوانند تا شاید که تفکر کنند:

﴿فَأَقْصِبْ قَصَصِ الْقَصَصِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۶)

در کنار این، امیر المؤمنین علیه السلام ما را به خواندن احوال گذشتگان و عبرت گرفتن از

آنان سفارش می کند:

وَ تَدَبَّرُوا أَحْوَالَ الْمَاضِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ كَيْفَ كَانُوا فِي حَالِ التَّمْحِصِ وَ
الْبَلَاءِ، أَلَمْ يَكُونُوا أَثْقَلَ الْحَلَائِقِ أَعْبَاءً وَ أَجْهَدَ الْعِبَادِ بَلَاءً وَ أَضْيَقَ أَهْلِ الدُّنْيَا
حَالًا...

در احوالات مؤمنین گذشته اندیشه کنید، که چگونه در حال آزمایش و امتحان

بودند! آیا از همه خلائق مشکلاتشان بیشتر نبود؟

آیا بیش از همه مردم در زحمت و رنج نبودند؟ آیا از همه مردم دنیا در تنگنای

بیشتری قرار نداشتند؟ فراعنه آنان را برده خود ساختند، و به عذاب سخت

کشیدند، جرعه جرعه تلخی به آنان نوشاندند، پیوسته در ذلت هلاکت، و مورد

سلطه و استیلا بودند، چاره ای برای سر باز زدن، و راهی برای دفاع نمی یافتند. تا

چون خداوند جدیت آنان را در صبر بر آزار در راه محبتش، و تحمل ناراحتی ها را در

مسیر بیم و خوفش از آنان دید، گشایشی از تنگناهای بلا برای آنان قرار داد، دلتشان را به عزت و بیمشان را به امنیت تبدیل کرد، پس سلاطین حکمران، و پیشوایان راهنما شدند، و کرامت خداوند در باره آنان به جایی رسید که خیالش هم درباره آنان نمی‌رفت.

بنگرید چگونه بودند زمانی که اجتماعشان متحد، خواسته‌هایش متفق، دلها معتدل و مناسب، دستها پشتیبان هم، و شمشیرها مددکار یکدیگر، چشم دلشان نافذ، و تصمیم‌هایشان یکی بود! آیا با این خصال آقای سراسر زمین نبودند، و بر جهانیان حکومت نمی‌کردند؟

از طرفی به پایان کارشان نظر کنید که به کجا رسید زمانی که بینشان جدایی افتاد، الفتشان به پراکندگی رسید، وحدت کلمه و دل‌هایشان به اختلاف مبدل شد، دسته دسته شده، به جنگ با هم برخاستند، خداوند لباس کرامت را از وجودشان به در آورد، و نعمت فراوانش را از آنان گرفت، و داستان زندگی آنان در بین شما به عنوان درس عبرتی برای عبرت‌گیرندگان شما باقی ماند.

سپس به عنوان نمونه سرگذشت اولاد اسماعیل و اسحاق و یعقوب - درود خدا بر آنان - ذکر می‌کند و اندرز می‌دهد که: «پند گیرید».

نیز در وصیتش به امام حسن علیه السلام از جمله مواردی را که برای زنده نگه داشتن دل بیان می‌کند عرضه کردن اخبار گذشتگان است:

دلت را با موعظه زنده کن، و با بی‌رغبتی به دنیا بمیران، آن را با یقین قوی کن و با حکمت نورانی نما، و با یاد مرگ فروتن و خوار کن... اخبار گذشتگان را به او ارائه کن، آنچه را بر سر پیشینیان آمد به یادش آور، در شهرهای آنان و در میان آثارشان سیاحت کن، در آنچه انجام دادند و اینکه از کجا منتقل شدند و در کجا فرود آمدند و منزل کردند دقت کن....

پسرم! اگر چه من به اندازه مردمی که پیش از من بوده‌اند عمر نکرده‌ام، ولی در

کردارشان دقت، و در اخبارشان فکر نموده، و در آثارشان سیاحت کرده‌ام، تا جایی که همانند یکی از آنان شده‌ام، بلکه گویی از پی آنچه که از وضع آنان به من رسیده عمرم را با اولین و آخرینشان گذرانیده‌ام، زلال اعمالشان را از تیرگی، و سود و زیان کردارشان را شناختم... .

ج) فواید قصص قرآنی

خواندن قصص قرآنی ثمراتی دارد از جمله:

۱. اثبات رسالت رسول خدا ﷺ؛ برخی از قصه‌های قرآنی را علمای یهود به طور ناقص یا تحریف شده نقل می‌کردند؛ اما قرآن این داستان‌ها را از کانال وحی و به عنوان اخبار غیبی به رسول خدا نازل کرد تا اثبات رسالت حضرت باشد: ﴿مَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ﴾ (یوسف: ۳)

۲. بیان یکپارچگی خط تبلیغی پیامبران؛

۳. قوت دل به مؤمنان؛ اینکه مسلمانان زمان رسول خدا یا دوره‌های بعدی دچار گرفتاری و مشکلات در برابر ظالمان هستند امر تازه‌ای نیست و بسیاری از مؤمنان در طول تاریخ این گرفتاری‌ها را داشته‌اند و توانسته‌اند با ایمان به خدا، وحدت کلمه و... صبر پیشه گیرند تا نصرت الهی رسیده است.

۴. قوت قلب رسول خدا ﷺ؛ ﴿وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (هود: ۱۲۰)

۵. بیان نعمتهایی که به پیامبران و انبیاء و مؤمنان عطا شده است.

۶. رد و آشکار ساختن برخی از تحریف‌های علمای یهود از ساحت پیامبران الهی؛ در بسیاری از داستانهای علمای یهود نسبت‌های ناروا به پیامبران داده می‌شد که با شخصیت الهی آنان سازگاری نداشت. برخی از این داستانها به متون اسلامی راه یافته و با عنوان اسرئیلیات شناخته می‌شوند.

۷. عبرت آموزی و تفکر؛ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (یوسف: ۱۱۱)؛
﴿فَأَقْصصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۶)

د) کتابشناسی کتابشناسی‌های قصه‌های قرآن

به کتابشناسی قصه‌های قرآنی چندین بار پرداخته شده است: از جمله آقای غلامرضا عرفانیان در مقدمه تصحیح قصص الانبیاء راوندی ۱۷۴ کتاب و منبع درباره قصص انبیاء معرفی کرده است.

آقای مهدی خراسانی در مجله آینه پژوهش (سال سوم، شماره ۱۵) در مقاله «پژوهشی در داستانهای قرآن» ۵۵ کتاب را معرفی کرده است.

در تکمیل آن آقای محمدعلی هاشم‌زاده مقاله «استدراک کتابشناسی قصه‌های قرآن» را در آینه پژوهش (شماره ۲۰) نوشت که در بردارنده ۴۰۵ مقاله و کتاب است.

بر اینها بیفزاییم جلد دوم کتاب معجم‌الدراسات القرآنیة آقای عبدالجبار الرفاعی و کتابنامه بزرگ قرآن کریم به اشراف آقای محمد حسن بکائی را که افزون بر کتابها پایان‌نامه‌های دانشگاهی مربوط به قصص قرآن را هم نام برده‌اند.

آقای محمد حسین صادق پور نیز با اشراف به منابع پیشین در مقاله کتابشناسی قصه‌های قرآن ۴۶۴ عنوان کتاب و مقاله را نام برده است.

جز اینها کتاب «کتابشناسی قصه‌های قرآنی، پیامبران، ائمه، صحابه» (به کوشش واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی سازمان اوقاف و امور خیریه، دبیرگروه حسین حداد، انتشارات اسوه، چ اول، پاییز ۱۳۷۴ش) در چهار بخش فهرست قصه‌های قرآنی برگرفته از مطبوعات کودکان و نوجوانان، فهرست قصه‌های قرآنی برگرفته از مطبوعات کودکان و نوجوانان، فهرست قصه‌های قرآنی برگرفته از کتابهای داستانی بزرگسالان، و فهرست قصه‌های قرآنی برگرفته از مطبوعات بزرگسال در مجموع ۱۱۷۲ عنوان را ذکر کرده است.

بر اینها بیفزاییم ۲۰ کتاب قصص و تاریخ انبیاء مصادر کتاب النبوة شیخ صدوق را که آقای سید حسن موسوی در مقاله اش نام برده و در کتابشناسی های نامبرده، ذکر نشده اند.

اینها همه نشان دهنده اهتمام دانشمندان و نویسندگان به قصص قرآنی و علاقه مردم به این امر است.

قطب الدین راوندی (د ۵۷۳ق)

شیخ قطب الدین، ابو الحسن یا ابو الحسین، سعید بن عبدالله بن حسین بن هبة الله بن حسن راوندی کاشانی، متولد راوند کاشان، محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و تاریخ دان بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است. گاهی اوقات او را به جدش نسبت داده و سعید بن هبة الله راوندی معرفی می کنند. پدر و پدر بزرگ قطب راوندی از علمای بزرگ زمان خود بودند.

وی تحصیلات ابتدایی را نزد پدر خویش آموخت. علمایی چون شیخ ابو علی فضل بن حسن طبرسی (صاحب مجمع البیان درگذشته ۵۴۸ق)، عماد الدین محمد بن ابی القاسم طبری (صاحب بشارة المصطفی، زنده در ۵۵۳ق)، صفی الدین مرتضی رازی (مؤلف تبصره العوام)، شیخ ابو جعفر حلبی، ابو نصر غازی (د ۵۳۲ق)، و... از اساتید و مشایخ مشهور او هستند.

از شاگردان و راویان او می توان فرزندانش نصیر الدین حسین بن سعید و ظهیر الدین محمد بن سعید و عماد الدین علی راوندی، قاضی احمد بن علی بن عبد الجبار طوسی، قاضی جمال الدین علی بن عبد الجبار طوسی، کمال الدین علی بن محمد مدائنی، شیخ منتجب الدین رازی (زنده در سال ۶۰۰ق) و رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (د ۵۸۸ق) را نام برد.

قطب الدین در آثار خود موضوعات متنوعی از علوم و معارف اسلامی را به بحث گرفته و در علم تفسیر، فقه، حدیث، فلسفه، کلام، تاریخ و دیگر موضوعات

حدود ۶۰ عنوان کتاب از خود به جای گذارده است که عناوین زیر از آن جمله‌اند:
 فقه القرآن، شرح آیات الأحكام، الاختلاف بين المفيد والمرضى فى بعض المسائل الكلامية،
 أسباب النزول، الأغراب فى الإعراب، ألقاب الرسول و فاطمة و الأئمة عليهم السلام، جواهر الكلام فى
 شرح مقدمة الكلام، منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغه، الخرائج و الجرائح، فقه القرآن، ضياء الشهاب،
 لب اللباب، المجالس فى الحديث، سلوة الحزين (دعوات)، قصص الانبياء، نفثة المصدور و ...
 قطب الدين راوندی دیدگاه دیگران را - چه موافق و چه مخالف - به درستی نقل
 می‌کند و مانند انسانی که حق را برای حق می‌خواهد به کاوش در آثار دیگران
 می‌پردازد. از این رو، کسانی که در صدد معرفی وی برآمده‌اند عباراتی را در ستایش
 شأن و منزلت او به کار برده‌اند.

قصص الأنبياء

علاقه و رغبت مردم به دانستن جزئیات زندگی پیامبران باعث شد تا برخی از
 قصه‌گویان سخن پردازی کنند؛ به ویژه اینکه برخی از این قصه‌ها در تورات هم نقل
 شده بودند و علمای یهود فرصت را مناسب دیده اصل داستان را از قرآن گرفته و
 شاخ و برگ را از پیش خود افزودند. آنان برای صحیح جلوه دادن سخنان خود آن را
 به جای تورات تحریف شده، به پیامبر و دیگر بزرگان دین نسبت می‌دادند.
 برخی از علما بر آن شدند تا این پیرایه‌ها را از داستان انبیاء بزدايند و روایاتی
 صحیح و موافق اهداف قرآن از زندگی پیامبران عرضه کنند.
 یکی از این بزرگان قطب الدين راوندی است. او در این باره، در مقدمه کتابش،
 ضمن اشاره به لطایف داستان پیامبران (که دعوت به نیکی می‌کند، شک و نفاق را
 از بین می‌برد، و یادکرد داستانهایشان انسان را به اطاعت و عبادت خدا نزدیک
 می‌کند)، می‌گوید: «کتبی که در این موضوع نگاشته شده‌اند آکنده از سخنان غث و
 سمین و روایات بی ارزش و با ارزش است به یاری خدا خالص‌ترین آن را در کتابم
 جمع کردم...».

راوندی کتابش را در بیست باب تدوین کرده است؛ کتاب او روایی است و اول هر فصل طرق روایت مؤلف تا معصوم علیه السلام گفته شده است.

مطالب کتاب به این ترتیب است:

بخش اول: داستان پدرمان آدم علیه السلام؛ در این بخش داستان خلقت آدم و حوا، هبوط آدم و حوا به صفا و مروه، هبوط حجرالأسود، رؤیت آدم نور رسول خدا را بر عرش، دفن آدم، قصه هابیل و قابیل و اولین خون روی زمین، حال آدم بعد از قتل هابیل، معرفی بنیانگذار بت پرستی و ... ضمن روایاتی نقل شده است.

بخش دوم: داستان ادريس و نوح؛ ادريس و پادشاه زمانه، داستان ادريس با ملك الموت، ویژگی های ادريس، مسجد سهله که ادريس بنا کرده، صعود ادريس به آسمان از مطالب مربوط به ادريس هستند و در ادامه نبوت نوح، کشتی نوح، وصیت نوح به فرزندش سام و ... آمده است.

بخش سوم: داستان هود و صالح؛ در ضمن داستان هلاک قوم هود و قوم عاد، داستان «إرم ذات العماد (باغ شداد)» و اصحاب الرس نیز ذکر شده است.

بخش چهارم: داستان ابراهيم خليل الله علیه السلام؛ ولادت ابراهيم، توسل او به پنج تن آل عبا علیهم السلام، هجرت به مکه، قصه صفا و مروه، ذبح اسماعیل و داستان ملاقات ماریا بن اوس با ابراهيم علیه السلام از مطالب خواندنی این بخش هستند.

بخش پنجم: داستان لوط و ذوالقرنین؛ در این بخش ضمن اشاره به عاقبت بخل و فحشای قوم لوط، ذوالقرنین را مردی از اهل اسکندریه معرفی کرده که وقتی به سن رشد رسید مؤمن به خدا شد و ...

بخش ششم: داستان یعقوب و یوسف؛ اطعام سائل فقیر، توسل یوسف به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، آگاهی یعقوب از زنده بودن یوسف، و قصه زلیخا بخشی از مطالب این بخش هستند.

بخش هفتم: داستان ایوب و شعیب؛ گرفتاری های ایوب و صبرش بر آنها، پیدا

شدن قبر شعیب در زمان هشام، امام باقر همچون شعیب امت، ابداع ترازو و... را می‌توان در این بخش خواند.

بخش هشتم: داستان موسی بن عمران؛ از مطالب شیرین این بخش دو مناجات منقول از حضرت موسی علیه السلام است.

بخش نهم: داستان بنی اسرائیل؛ در این بخش داستانهایی پندآموز از شخصیت‌های بنی اسرائیل نقل شده است.

بخش دهم: داستان اسماعیل و لقمان؛ در این بخش افزون بر داستان اسماعیل صادق الوعد، و نصایح لقمان به فرزندش، بیان شده است: با فضیلت‌ترین صدقه، صدقه زبانی است که با سخنی از ریخته شدن خونی جلوگیری شود و منفعتی به برادر مسلمانی برسد.

بخش یازدهم: داستان داود؛ فضیلت شاد کردن مؤمن و چگونگی نشر دوست داشتن خدا از مطالب این بخش هستند.

بخش دوازدهم: داستان سلیمان؛ در این بخش از داستان بلقیس به همان که در قرآن آمده ارجاع می‌دهد و از بیان بیش از آن خود داری می‌کند.

بخش سیزدهم: ذوالکفل و عمران؛ صبر ذوالکفل بر آزار و اذیت مشرکان، پیامبری عمران پدر حضرت مریم علیها السلام در این بخش بیان شده است.

بخش چهاردهم: داستان زکریا و یحیی؛ افزون بر ولادت و زهد یحیی، قتل زکریا، تحریم ازدواج با برادرزاده دیگر مطلب این بخش است.

بخش پانزدهم: ارمیا و دانیال؛ اسباب تسلط بخت نصر بنی اسرائیل، روزی بی حساب مؤمن، و تأثیرات خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی در این بخش آمده است.

بخش شانزدهم: جرجیس و عزیر و حزقیل.

بخش هفدهم: داستان شعیا و اصحاب اخدود و الیاس و یونس و اصحاب کهف و

رقیم.



بخش هیجدهم: داستان عیسی؛ قصه مریم و ولادت عیسی، معجزات عیسی، استجابات دعای عیسی، داستان خالد بن عبسی، بشارت عیسی به بعثت رسول خدا، مواعظ، ویژگیهای عیسی نسبت به یحیی از مطالب این بخش هستند. بخش نوزدهم: دلایل نبوت رسول خدا ﷺ و معجزات آن حضرت؛ بخش بیستم: زندگانی رسول خدا ﷺ؛ در این بخش افزون بر جریان بعثت و دعوت مردم به اسلام، غزوه‌های حضرت نیز معرفی شده‌اند. اسامی ائمه علیهم السلام و نام اوصیا از آدم تا امام زمان علیه السلام از دیگر مطالب بخش پایانی کتاب هستند. بنا بر شمارشی که مصحح قصص الانبیا انجام داده در مجموع ۵۲۱ روایت، داستان و ماجرا در این کتاب نقل شده است.

مصادر و منابع راوندی در این کتاب

این کتاب به شکل روایی است و طرق نویسنده تا معصوم علیه السلام در اول هر بخش آمده است. طرق روایتی راوندی در بسیاری از مطالب کتاب به شیخ صدوق رسیده است. کتابهایی که راوندی از آنها نام برده سه کتاب زیر هستند:

۱. صحیح بخاری (باب بیستم، ح ۸)؛

۲. صحیح مسلم (باب بیستم، ح ۵۵)؛

۳. کمال الدین شیخ صدوق (باب نوزدهم، ح ۲)؛

اما مهم‌ترین ویژگی قصص الانبیا نقل بسیاری از مطالب کتاب النبوة شیخ صدوق است. نقل راوندی از این کتاب مفقود - که تا قرن دهم ظاهراً در دسترس بوده - آنقدر زیاد است که بتوان قصص الانبیا را تلخیصی از کتاب النبوة شیخ صدوق شمرد. از همین رو، مؤسسه ضحی (حسین درگاهی) بر اساس این کتاب و مجمع البیان، النبوة را بازسازی و چاپ کرده است.

دیگر کتابی که راوندی از آن نقل کرده (تقریباً تمام بخش بیستم)، إعلام الوری طبرسی است.

قصص الأنبياء راوندی در کتب دیگر

قصص الانبياء بعد از تألیف مورد توجه علما قرار گرفته و از آن نقل بسیار شده است، از جمله کتابهایی که به تصریح از قصص الأنبياء راوندی نقل کرده‌اند موارد زیر را می‌توان بر شمرد:

کتاب مهج الدعوات سید بن طاوس، فلاح السائل، فرج المهموم، سعد السعود، مصباح کفعمی، حدائق الناضره محدث بحرانی، ایقاظ من الهجعه شیخ حر عاملی، نور المبین جزائی و مستدرک الوسائل محدث نوری.

نسخه های خطی قصص الانبیا

۱. نسخه مدرسه عالی سپهسالار (فهرست: ج ۵، ص ۴۰۴)؛ کتابت ۲۲ ذی حجه ۱۰۸۹ق به خط عزیز بن مطلب جزائی.
۲. نسخه کتابخانه ملی تهران به شماره ۵۹ ج ۲۴۸۹، کتابت ۱۵ شوال ۱۰۷۹ به خط علی بن محمد.
۳. نسخه کتابخانه مسجد اعظم به شماره ۵۹۷، کتابت شنبه دهم ربیع الاول ۱۱۳۲ق به خط محمد بن حسن شاطری.
۴. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۸۲۲، کتابت ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۱۹ق، به خط احمد بن رجب علی تبریزی.
۵. نسخه دانشگاه تهران به شماره ۶۴۱.
۶. نسخه کتابخانه ممتاز العلما در لکهنو هند به شماره ۱۲۱.
۷. نسخه مدرسه نمازی در شهرستان خوی به شماره ۴۲۱.
۸. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۱۳۴.
۹. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۰۵۷.
۱۰. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۶۲۵۹.

و ...

شایان ذکر است که چهار نسخه اول اساس تصحیح قصص الانبیا در کتابخانه علامه مجلسی بوده و فهرست نسخ از مقدمه مصحح اخذ شده است.

چاپهای قصص

۱. تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی، موسسه مفید، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م، بیروت؛ این چاپ بارها افست شده از جمله در انتشارات آستان قدس رضوی عاجلاً.
۲. تحقیق عبدالحلیم عوض الحلی، مکتبه علامه مجلسی، ۳۸۸ش / ۴۳۲ق، قم.

این چاپ در دو جلد عرضه شده است؛ دو مقاله در ابتدای آن (۱۷۰ صفحه) از ویژگی‌های این چاپ است. مقدمه اول شامل سخنان محقق کتاب و مقاله‌ای از آقای سید حسن موسوی بروجردی است. آقای موسوی در مقاله‌اش به معرفی النبوة و مصادر آن و ارتباط این کتاب و شیخ صدوق با راوندی و قصص الانبیا پرداخته و روایاتی را که از النبوة در قصص الانبیاست - چه آنجا که راوندی تصریح کرده و چه آنجا که روایات النبوة را فقط از طریق سند می‌توان شناخت - مشخص کرده است. این کار می‌تواند به کمک کسانی بیاید که می‌خواهند النبوة را از طریق کتاب قصص الانبیا بازسازی کنند.

در ادامه عبدالحلیم عوض الحلی به معرفی قطب الدین راوندی و قصص الانبیا و نسخه‌های خطی آن پرداخته است.

منابع

۱. ترجمه نهج البلاغه حسین انصاریان.
۲. مجله تراثنا (شماره‌های ۹۸ - ۹۷) مقاله «بین الصدوق والقطب الراوندی دراسة فی کابیهما النبوة و قصص الأنبياء» از سید حسن موسوی بروجردی؛
۳. مجله نشر دانش مقاله «نسخه‌ای ناقص از کتاب النبوة صدوق» از حسن انصاری.
۴. مقدمه عبدالحلیم عوض الحلی بر تصحیح قصص الانبیاء.